

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه ریزی و سیاست گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «تمدن نوین اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر فرزاد جهان‌بین

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- مصطفی جمالی: استادیار فرهنگستان علوم اسلامی
- فرزاد جهان‌بین: استادیار دانشگاه شاهد
- محمدرضا خاکی قراملکی: عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی
- رضا رمضان نرگسی: استادیار گروه تاریخ و اندیشه معاصر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- امین‌رضا عابدی‌نژاد: دکترای فلسفه تطبیقی و استاد حوزه علمیه قم
- رضا غلامی: عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
- عبدالله فتحی: عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)
- سید محمدتقی موحد ابطحی: دکترای فلسفه علم و فناوری
- سید علیرضا واسعی: عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- عبدالرسول یعقوبی: عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)

سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... (و دیگران) :	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله ویراستار مرتضی طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج۱۰ :
شابک	شابک : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : دوره : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج۱۰ :
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	ج۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی - ج۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BPT۳۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد ششم | کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله‌در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۷-۷۵-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴، کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

پایگاه اینترنتی: www.sccsr.ac.ir

رایانامه: info@sccsr.ac.ir

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

۹

الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه: چرایی، چگونگی
رسول رضوی، محمد پارچه‌باف دولتی، ایمان روشن بین

۳۵

کاربرد روش‌پژوهی در مطالعات تمدن اسلامی
مسعود مطهری نسب

۵۷

تبیین رابطه فقه نظام و علوم انسانی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلام
امین رضا عابدی نژاد

۷۹

نقش سبک زندگی ایرانی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی
محمد رحیمی کلیشادی (نویسنده مسئول)، غلامرضا گودرزی، مریم رحیمی کلیشادی

۱۰۵

کنکاش در چیستی و اجزای ذاتی مفهوم «تحول» در علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
سید هادی موسوی

۱۳۱

نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت‌های اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی
دوست‌علی سنجولی، ملیحه ابویسانی

۱۵۵

نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری
مهدی ابوطالبی

۱۸۳

درآمدی بر الگوی دستیابی به علوم انسانی اسلامی
بر اساس اندیشه تمدنی آیت الله العظمی خامنه‌ای
مصطفی جمالی، علیرضا جمالی، عباس درویشی

۲۱۷

الگوی اعتبارسنجی منابع متداول تاریخی مبتنی بر قرآن و روایات و اصول کلامی امامیه
(مطالعه موردی: تأثیر باورهای کلامی ابن هشام بر تألیف السیرة النبویه)
ایمان روشن‌بین

۲۵۱

نگاه مقایسه‌ای به معرفت‌شناسی ساختارگرا و تکامل‌گرا در تحول علوم انسانی و تأثیر آن
در مهندسی تمدن نوین اسلامی
ابراهیم صادقی، محمدرضا خاکی قراملکی

۲۸۵

الزامات نظریه حاکم بر ساخت تمدن اسلامی
مصطفی جمالی، حسن شیخ‌العراقین زاده

درآمدی بر الگوی دستیابی به علوم انسانی اسلامی بر اساس اندیشه تمدنی آیت الله العظمی خامنه‌ای

مصطفی جمالی

استادیار فرهنگستان علوم اسلامی، ایران، قم.

mo.jamali313@gmail.com

علیرضا جمالی

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ایران، قم.

meghdad.a.r.j@gmail.com

عباس درویشی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ایران، قم.

meghdad.a.r.j@gmail.com

چکیده

انقلاب اسلامی به دلیل مبتنی بودن بر معارف عمیق، جامع و جهان‌شمول اسلام، راهی جز تحقق بخشیدن به تمدن اسلامی با همه لوازم تمدنی آن در عصر حاضر ندارد، و از ارکان اساسی تمدن اسلامی، علوم انسانی اسلامی است؛ لذا مقام معظم رهبری در باب تولید علوم انسانی تأکیدات فراوان داشته‌اند و به‌علاوه درباره ابعاد مختلف این هدف، مطالب مختلفی را با مخاطبان متفاوت در میان گذاشته‌اند. لذا لازم است با نگاهی جامع به این سخنان، به الگوی جامع در باب تولید علوم انسانی دست یابیم؛ الگویی که بتواند همه تناسب‌های درونی و بیرونی تولید علوم انسانی را ملاحظه کند. در این مقاله نخست جایگاه علوم انسانی در ساخت تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه تمدنی رهبری، به عنوان زیرساخت تمدن

اسلامی معین شده و سپس سخنان ایشان در باب علوم انسانی در سه حوزه محتوا، برنامه و سازمان تحول بررسی گشته است.
کلیدواژگان: تمدن اسلامی، علوم انسانی، الگو، محتوا، برنامه، سازمان.

مقدمه

انقلاب اسلامی در عصری پا به عرصه وجود گذاشت که گفتمان تجدد و مدرنیته، به یک هژمونی بلامنازع در دنیای امروز بدل گشته بود و بنا بر مبانی، اصول و اهداف خود، در پی هماهنگ‌سازی همه عرصه‌های حیات بشری بود. تمدن لیبرال، صورت تمدنی جدیدی است که تفاوتی جوهری با صورت‌بندهای تمدنی در تاریخ گذشته بشریت دارد. این تمدن با شتاب سرسام‌آور خود به تولید «علوم، ساختارها و محصولات» تمدنی خود در ابعاد مختلف «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی»، بر اساس مبانی‌ای همچون اومانیسیم و سکولاریسم پرداخت و تا آنجا پیش رفت که به تمدنی بلامنازع در دنیای امروز بدل شد. این تمدن با داعیه اینکه واپسین تمدن تاریخ بشری است، نه تنها در مغرب‌زمین، بلکه در کل جهان در پی ساخت محیطی مبتنی بر ارزش‌ها و دستاوردهای تمدنی خود برآمد و جهانی‌سازی را در دستور کار خود قرار داد؛

اما چیزی از عمر آن نگذشته بود که تعارض‌های درونی و بیرونی این تمدن خوش‌خط و خال آشکار گشت و بشریت تشنه معنویت و کرامت به خوبی به سراب بودن این تمدن خیالی پی برد و خود را در منجلابی یافت که راه‌گریزی از آن نمی‌یافت.

انقلاب اسلامی در یک نگاه، پاسخی است به نیاز بشر امروز؛ بشر تحقیرشده در فرهنگ تجدد. انقلاب اسلامی هنگامی رخ داد که همه ارزش‌های انسانی - که محصول تلاش انبیای الهی در طول تاریخ است - رنگ باخته بودند و توحید و خداپرستی، به منزله شعار محوری ادیان الهی، با هجمه تمدن مادی روبه‌رو بود.

ایجاد «تمدن اسلامی» و نشر جهانی آن، شعار انقلاب اسلامی بود و این چیزی نیست جز نیاز بشر امروز. تمدن‌سازی در فرایندی تاریخی شکل می‌گیرد و یک اندیشه و ارزش برتر، هنگامی شکل تمدنی به خود می‌گیرد که به تمام لوازم تمدنی خود پایبند باشد.

بروز انقلاب اسلامی، نخستین گام در شکل‌دهی تمدن اسلامی است. مطرح کردن شعارهایی همچون دفاع از کرامت انسان، عدالت اجتماعی و معنویت در عرصه جهانی و بین‌المللی و تغییر ادبیات سیاسی حاکم و وارد کردن واژگانی همچون مبارزه با ظلم و جور، مستضعف و مستکبر،

همگی از تغییر نظام حساسیت‌ها و تمایلات اجتماعی خبر می‌دهند؛ اما همه این تحولات و تغییرات در تمایلات اجتماعی نخست‌تینگ گام در تحقق تمدن اسلامی هستند. گام بعدی، تولید علوم و نرم‌افزارهای تمدنی متناسب با تغییر تمایلات و گرایش‌های اجتماعی است.

اگر انقلاب اسلامی نتواند متناسب با اهداف و شعارهای سیاسی خود، اندیشه‌ها، پایه‌های فرهنگی و نرم‌افزارهای خود را تولید و بازسازی کند، هیچ‌گاه نمی‌تواند به تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی امید داشته باشد.

در این میان آنچه اهمیت دارد، توجه به الزامات ساخت تمدن اسلامی، متناسب با اقتضانات دنیای امروز است. از طرفی این تمدن مقید به قید «اسلامی» است و باید مبتنی بر اندیشه‌ها و بنیان‌های دینی شکل بگیرد.

مقام معظم رهبری، خلف صالح معمار کبیر انقلاب اسلامی، به خوبی مسیر رسیدن به تمدن اسلامی را ترسیم کرده‌اند و با مدیریت الهی خود گام‌به‌گام جامعه اسلامی را به افق تمدن اسلامی نزدیک می‌کنند. بنابراین بایسته است اندیشه تمدنی رهبر انقلاب، نه به عنوان یک رجل سیاسی، بلکه به عنوان متفکری ژرف‌نگر مورد مذاقه جامعه علمی قرار گیرد و حجاب معاصرت و سیاست، نباید جامعه نخبگانی کشور و جهان اسلام را از اندیشه‌های ناب این حکیم فرزانه - که به حق می‌توان او را حکیم تمدن نامید - محروم سازد. براین اساس در این مقاله تنها به اختصار به یکی از مهم‌ترین ارکان تمدن اسلامی یعنی علوم انسانی اسلامی پرداخته می‌شود و با نگاهی جامع به فرمایش‌های رهبری، تلاش می‌شود تا پس از تبیین مفاهیم کلیدی این مقاله، در نگاهی جامع همه سخنان ایشان در محورهایی خاص جانمایی گردد تا در گام بعد، امکان طراحی الگوی تحول علوم انسانی فراهم آید. لذا در آغاز با تبیین چیستی تمدن اسلامی در سخنان رهبری و تبیین ارکان آن، جایگاه علوم انسانی در مهندسی تمدن اسلامی به خوبی مشخص می‌گردد. در ادامه، سخنان رهبری در سه سرفصل محتوا، برنامه و سازمان علوم انسانی اسلامی بررسی، و در بخش محتوا نیز نسبت علوم انسانی با دیگر ارکان تمدن اسلامی تبیین می‌شود. امید است که این مقاله، فتح بابی برای تحقیقی جامع در این زمینه باشد.

۱. تبیین مفاهیم

چنان‌که بیان شد، در این مقاله به دنبال طرح مباحث مقدماتی در باب طراحی الگوی دستیابی به علوم انسانی اسلامی هستیم و لذا بایسته است که در گام اول، تعریف علوم انسانی و تبیین مفهوم

الگو و ضرورت آن در تحول علوم انسانی را بر اساس اندیشه‌های رهبری بیان کنیم.

۱-۱. تعریف و اهمیت علوم انسانی

از نگاه رهبری «علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه‌کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند؛ بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین‌کننده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱). ایشان در تعریف و اهمیت علوم انسانی اسلامی در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی گفتند:

حقیقتاً همه دانش‌ها، همه تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت می‌دهد؛ مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم می‌رویم؛ دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این می‌شود که همه تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می‌رود. امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست؛ چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده بی‌نظیر تاریخی است؛ اما این دانش در طول سال‌های متمادی در راه استعمار به کار رفته؛ در راه برده‌داری و برده‌گیری به کار رفته؛ در راه ظلم به کار رفته؛ در راه بالاکشیدن ثروت ملت‌ها به کار رفته؛ امروز هم که می‌بینید چه کار دارند می‌کنند. این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهت‌گیری غلط است که این علم با این عظمت - که خود علم یک چیز شریفی است، یک پدیده عزیز و کریمی است - در این جهت‌ها به کار می‌افتد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳).

ایشان همچنین یادآور می‌شوند که «بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۱۴).

۱-۲. الگوی تحول علوم انسانی

از نکات مهم و بارز اندیشه نظام‌مند رهبری، توجه تام و تمام ایشان به مسئله روشمندی، الگو داشتن، طراحی نقشه راه و برنامه‌ریزی دقیق در مقولات اجتماعی همچون مقولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و علمی است. ایشان بارها بر ضرورت داشتن الگوی علمی در پیشرفت تأکید کرده‌اند:

اینها یک مختصاتی از جمله مختصات پیشرفت مورد نظر ما بود که عرض کردیم. همان طور که گفتیم با این حرف‌ها تمام نمی‌شود: باید دقت کرد؛ باید تعقیب کرد؛ باید تحقیق کرد. صاحبان فکر در دانشگاه‌ها بنشینند و روی این مسائل مطالعه کنند؛ تبیین علمی بشود؛ مدل‌سازی علمی بشود تا بتوانیم این را به برنامه تبدیل کنیم و بیندازیم در میدان اجرا تا در پایان ده سال، ملت احساس کنند که پیشرفت حقیقی پیدا کردند (خامنه‌ای، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

منظور از الگو داشتن یعنی توجه به همه عوامل تأثیرگذار در رشد موضوع مورد نظر؛ یعنی اولاً جایگاه موضوع در کل بالاتر دیده شود؛ مثلاً در باب علوم انسانی اسلامی، جایگاه این موضوع در تحقق تمدن اسلامی ملاحظه شود؛ ثانیاً همه عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار در رشد موضوع ملاحظه گردد تا در سایه این ملاحظه، بتوانیم نقشه جامع تحول در موضوع را طراحی کنیم. بنابراین «الگو همان نقشه جامع است. وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه جامع. بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان‌که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم» (خامنه‌ای، ۸۹/۰۹/۱۰).

با توجه به این تعریف از الگوی علوم انسانی، برای تبیین مقدمات طراحی الگو تنها به تبیین جایگاه علوم انسانی در مهندسی تمدن اسلامی می‌پردازیم و سپس محورهای مهم در تحول علوم انسانی را بر اساس اندیشه‌های رهبری بررسی می‌کنیم. البته طراحی الگو و نقشه جامع، کاری دقیق و ظریف است که فرمایش‌های رهبری به خوبی می‌تواند محور تنظیم این الگو و نقشه قرار گیرد.

۲. جایگاه علوم انسانی در مهندسی تمدن اسلامی

در گام اول بایسته است که نسبت علوم انسانی با ارکان تمدن اسلامی (به عنوان مؤلفه بیرونی تحول علوم انسانی) مشخص گردد. لذا باید ابتدا مفهوم تمدن اسلامی و ارکان آن در سخنان رهبری تبیین شود و سپس نسبت علوم انسانی با دیگر ارکان تمدن اسلامی روشن گردد.

۲-۱. چیستی تمدن اسلامی

اگرچه تاکنون متفکران اسلامی و غربی همچون ابن‌خلدون، ویل دورانت، تومین بی، لوکاس و هانتینگتون، تعابیر متفاوتی در باب مفهوم و ماهیت تمدن داشته‌اند، اما شاید بتوان تعریف مقام

معظم رهبری را تعریفی کامل در این زمینه دانست.^۱ بر اساس نگاه رهبری، «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد» (خامنه‌ای، ۱۴/۶/۹۲). بر اساس همین نگاه «شاخصه اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است» (خامنه‌ای، ۹/۲/۹۲).

۱-۱-۲. دو بخش اصلی تمدن اسلامی

در باب عوامل و ارکان شکل‌دهی تمدن نیز نظرات مختلفی همچون نظریه ویل دورانت بیان شده است؛^۲ اما در نگاه رهبری با توجه به پیچیدگی‌های تمدنی عصر حاضر، تمدن نوین اسلامی از دو بُعد اساسی تشکیل می‌گردد: بعد اول، ابزاری است که همه برنامه‌ها، ساختارها و نهادها و حتی زیرساخت‌های آنها را دربر می‌گیرد و گاه رهبری این بخش زیرساخت‌ها را نرم‌افزار می‌نامد؛ اما بُعد دوم، به منزله عرصه ظهور و بروز تمامی بُعد اول، عبارت است از سبک زندگی عینی در جامعه که بخش متنی و اصلی و اساسی است (خامنه‌ای، ۲۳/۷/۹۱). در ادامه بیانات رهبری را در دو بُعد

۱. از نظر ویل دورانت «تمدن نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده، به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگه‌دارنده آن می‌باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند» (دورانت، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳).

ساموئل هانتینگتون «تمدن» را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۷۴، ص ۴۷). هنری لوکاس نیز «تمدن» را پدیده‌ای به‌هم‌تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷ و ۱۶).

از نظر آرنولد توین‌بی «تمدن» حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است (به نقل از: ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰)؛ یعنی در جامعه، طبقه ممتازی وجود دارد که واجد نبوغ و ابتکار و نوآوری است و بر اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌نماید.

متفکران مسلمان نیز تعاریف خاص خود را از «تمدن» دارند. ابن‌خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر ابن‌خلدون، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم‌پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حائز «مدنیت» است (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۵ و ۷۶).

۲. در نظر ویل دورانت، ارکان تمدن عبارت‌اند از شرایط معرفت‌الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی و از نظر او اهمیت عوامل و اوصاف و احوال اقتصادی در شکل‌دهی به یک تمدن، بیش از عوامل دیگر است (دورانت، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۰۷).

تمدن نوین اسلامی بررسی می‌کنیم و جایگاه علوم انسانی اسلامی را در هندسه تمدن اسلامی روشن می‌سازیم.

۱-۱-۲. زیرساخت تمدن اسلامی (نرم‌افزارها)

بخش ابزاری تمدن اسلامی که می‌توان از آن به عنوان زیرساخت‌ها و ابزار شکل‌دهی بخش اصلی یاد کرد، «عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است» (خامنه‌ای، ۹۱/۷/۲۳).

البته گاه در بیانات رهبری از این زیرساخت‌ها با عنوان نرم‌افزارهای ساخت تمدن یاد می‌شود و نهضت نرم‌افزاری برای ساخت تمدن نوین اسلامی ضرورت می‌یابد (خامنه‌ای، ۸۱/۱۱/۱۶). در همین راستا آنچه در تبیین اندیشه تمدنی رهبری نیازمند دقت است، توجه به گستره نهضت نرم‌افزاری برای مهندسی تمدن اسلامی است. بر اساس برشی از سخنان رهبری، برای تحقق تمدن اسلامی به نرم‌افزارهای دینی و علمی و عینی نیازمندیم (همان). در مجموع بیانات ایشان می‌توان به سه لایه محوری این نرم‌افزارها اشاره کرد که از آنها به عنوان سه پرونده جدی انقلاب فرهنگی یاد می‌شود:

الف) نرم‌افزارهای دینی

بی‌شک نظام اسلامی محصول تلاش همه علما و فقها در طول تاریخ پرفراز و نشیب حوزه‌های علمیه است و از این‌روست که «فیضیه» نقطه آغازین حرکت نظام اسلامی شد. حوزه‌های علمیه همواره در طول تاریخ با حضور در متن جامعه شیعی، نگهبان و حافظ بسزای دین و معارف دینی بوده‌اند و با درک زمانه خود، متناسب با ظرفیت قدرت خود و با توجه به بلوغ و رشد جامعه شیعی به نیازمندی‌های جامعه شیعی پاسخ داده‌اند. این حوزه‌ها در میان همه دسیسه‌های دشمنان اسلام و جامعه شیعی، به هدایت و سرپرستی آن پرداخته و زمینه‌های شکل‌گیری نظام اسلامی را فراهم آورده‌اند. تحقق نظام اسلامی با این پشتوانه و با رهبری مرجعیت بزرگ شیعه، فصل جدیدی را فراروی حوزه‌های علمیه گشوده است.

ضرورت بقا و حفظ اسلامیت این نظام، وظایف خطیری را بر عهده حوزه‌های علمیه گذاشته است و از مهم‌ترین این وظایف، ارائه نظریه حاکمیت اسلام در همه امور زندگی و حیات بشری

(خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۱۹) و ارائه الگوی اسلامی اداره نظام متناسب با شرایط جهانی امروز و اقتضانات زمانه است. پرواضح است که حوزه امروز برای تحقق این امر، نیازمند تکامل بخشی جدی معارف دینی است.

امروز دیگر شعار جدایی حوزه از حکومت پذیرفته شده نیست؛ چراکه این حکومت، حکومتی اسلامی و برخاسته از متن حوزه‌های علمیه است و خدای ناکرده هر گونه ناکامی این نظام در حرکت تکاملی خود، متوجه حوزه‌های علمیه است. لذا دیگر با فرض تحقق نظام اسلامی نباید دچار شبهه حکومت آخوندی و آخوند حکومتی شد (خامنه‌ای، ۸۹/۷/۲۹)؛ بلکه «حوزه علمیه باید نظام اسلامی همین نظام جمهوری اسلامی را از خود بداند و برای تکمیل و رفع نقص آن، همه کوشش خود را مبذول کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

البته رهبری در باب تحول در اندیشه دینی، تنها مسئله تحول در فقه را مطرح نمی‌کنند؛ بلکه درباره بعضی علوم حوزوی و به تعبیر بهتر، درباره مهم‌ترین رشته‌های حوزوی همانند اخلاق و کلام و فلسفه، ضرورت بالندگی را مطرح می‌کنند و حتی به روش تحقیق در آن نیز اشاره، و کیفیت تحول در آنها را بررسی می‌نمایند؛ هرچند در رأس همه علوم، مسئله فقه حکومتی از جایگاهی ویژه برخوردار است.

در طول تاریخ فقه و فقاهت، فقهای گران‌قدر شیعه با درک زمان خود به خوبی پاسخ‌گویی مسائل جدیدی بودند که برای مردم و جامعه در زوایای گوناگون زندگی پیش می‌آمد که اوج فقه شیعه، در کتب فقهی متبلور گشته است؛ اما با این همه به دلیل فراهم نبودن شرایط اجتماعی و عدم تحقق حکومت اسلامی مُعَظَم مسائل و احکام دین به ویژه مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مورد کنکاش و مذاقه علمی قرار نگرفته و فروع آن مطرح نشده بود؛ اما امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخ‌گوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد کشاند (خامنه‌ای، ۷۶/۳/۱۴).

ب) نرم‌افزارهای علمی

دومین حوزه نرم‌افزاری در نگاه رهبری دستیابی به علوم کارآمد در فرایند تحقق تمدن اسلامی است؛ لذا رهبری از سال‌ها قبل مسئله نهضت نرم‌افزاری و تولید علم را در مجامع تخصصی و دانشگاهی مطرح کرده‌اند. متأسفانه عمق بیانات رهبری درباره نهضت نرم‌افزاری و درخواست

ایشان از نهادهای علمی و فرهنگی جامعه در این موضوع، هنوز آن چنان که باید شناخته نشده است. بر خلاف دیدگاه کسانی که می‌خواهند دایره و گستره این نهضت نرم‌افزاری را به تولید علوم خاص محدود کنند، نظر مقام معظم رهبری بسیار عام و فراگیر است و ایشان نه تنها بر تکامل و توسعه در علوم حوزوی و یا علوم انسانی تأکید می‌ورزند، بلکه حتی در علوم تجربی و علوم پایه نیز مسئله تولید علم را مطرح می‌کنند. پرواضح است که ایشان به عنوان پرچم‌دار تمدن اسلامی در مقابل تمدن مادی به این ضرورت اساسی رسیده‌اند که برای تحقق تمدن اسلامی، باید نظام اسلامی در کلیه رشته‌ها و شاخه‌های علوم و دانش از حالت انفعال خارج شود و با حرکت فعال به سطح تولید برسد؛ تا جایی که زبان فارسی، زبان علم جهان امروز شود (خامنه‌ای، ۹۵/۱/۱۱). لذا از تصریحات سخنان رهبری به‌راحتی استفاده می‌شود که تولید علم نباید به علم و دانش خاصی محدود گردد. در همه علوم، اعم از حوزوی و دانشگاهی و علوم مربوط به فناوری و تولیدات صنعتی، حتی در مدل‌های اجرایی نیز باید به دنبال تولید و نوآوری باشیم؛ یعنی در مجموع علمی که با آنها جمیع شئون فردی و اجتماعی اداره می‌شوند و جامعه به سمت تکامل الهی هدایت می‌شود، نیازمند نوآوری و نواندیشی علمی (اجتهاد) هستیم. البته تحول در علوم انسانی، اولویت اول و تأثیرگذار در لایه‌های دیگر علوم است (خامنه‌ای، ۷۹/۱۲/۹). به دیگر سخن مهم‌ترین محور در تولید علوم و نرم‌افزارهای علمی، حوزه علوم انسانی است. نظام مادی در دنیای امروز در باب علوم انسانی پیشرفت‌های چشمگیری کرده و توانسته تمامی ساختارهای اداره یک جامعه مدرن و توسعه‌یافته همراه با همه قوانین و مقررات لازم را طراحی کند. این تمدن اکنون به دنبال آن است که نظام لیبرال دموکراسی را به عنوان حکومتی آرمانی در سطح جهانی معرفی کند. در مقابل اگر نظام اسلامی بخواهد در دام جهانی‌سازی گرفتار نیاید، باید نوآوری جلدی و چشمگیری در علوم انسانی صورت دهد؛ به‌ویژه با آن بنیان‌های عظیمی که در این باره در دین مبین اسلام وجود دارد. لذا دانشگاه‌ها می‌توانند با تعامل با حوزه‌های علمیه، علوم انسانی اسلامی را تولید کنند (خامنه‌ای، ۸۲/۸/۸).

ج) نرم‌افزارهای عینی اجرایی

از دیگر عرصه‌های مهم و تأثیرگذار در باب مهندسی تمدن اسلامی، تولید نرم‌افزار عینی است. منظور از نرم‌افزارهای عینی، نرم‌افزارهایی است که مستقیماً در تغییر جامعه تأثیرگذارند؛ مانند الگوهای توسعه که برنامه توسعه اجتماعی بر اساس آنها پایه‌ریزی می‌شود و مقدرات عینی جامعه

در راستای تحقق اهداف هزینه می‌گردد. شاید بتوان گفت که این عرصه، حساس‌ترین عرصه در باب تولید نرم‌افزاری است؛ چراکه نمود نرم‌افزارهای دینی و علمی در این نرم‌افزار است و این این سطح از نرم‌افزارهاست که مستقیماً با عینیت جامعه ارتباط دارد. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و نیز پیوست فرهنگی از جمله مطالبات رهبری در این حوزه از نرم‌افزارهاست که محوری‌ترین نرم‌افزار عینی در ساحت مهندسی تمدن اسلامی دستیابی به الگوهای ایرانی-اسلامی پیشرفت در همه عرصه‌های حیات اجتماعی است؛ چراکه تمام تنظیمات اجتماعی در ابعاد مختلف «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» مبتنی بر این الگوها و مدل‌های اجرایی صورت می‌گیرد. لذا گرچه نظام اسلامی توانست تفکر جدیدی را به میدان سیاسی بیاورد، ولی برای تکمیل شدن این حرکت، باید الگوهای تحمیلی را نفی و الگوهای دینی تولید کند (خامنه‌ای، ۷۹/۵/۲۵). بر هر الگویی از توسعه، فرهنگ خاصی نیز حکمفرماست. از این رو اگر الگوها از دنیای کفر و استکبار گرفته شوند، باید به این نکته توجه کرد که اصول دنیای کفر در مدل‌هایش حضور دارد و جریان این مدل‌ها، فرهنگ دنیای استکبار را وارد کشور خواهد کرد (خامنه‌ای، ۷۰/۵/۲۳).

براین اساس رهبری حتی از به کار بردن کلمه «توسعه» احتراز دارند و به جای آن، از اصطلاح «پیشرفت» استفاده می‌کنند تا مبدا از آن، توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی شود؛ توسعه‌ای که بار ارزشی نهفته در آن، به معنای غربی شدن است (خامنه‌ای، ۸۸/۰۲/۲۷). در نگاه رهبری پیشرفت باید اولاً پیشرفتی همه‌جانبه باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱/۱)؛ ثانیاً همراه با عدالت و در راستای ارتقای اخلاق و معنویت انسان باشد (همان). به تعبیر دیگر در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌هاست و پیشرفت منهای عدالت معنا ندارد (خامنه‌ای، ۹۲/۶/۶). البته این پیشرفت باید مبتنی بر الگوی خاص خود باشد که قطعاً این «پیشرفت با الگوی غربی نیست. دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمی‌خواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد» (خامنه‌ای، ۹۲/۵/۱۵).

۲-۱-۱-۲. سبک زندگی، بروز تمدن اسلامی

در نگاه رهبری نمود اصلی یک تمدن در سبک زندگی تجلی می‌یابد:

بخش حقیقی (تمدن اسلامی)، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛

که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است (خامنه‌ای، ۹۱/۷/۲۳).

در نگاه رهبری، سبک زندگی در سه حوزه سبک زندگی «فردی، خانوادگی، اجتماعی» قابل پیگیری است و در فرمایش‌های ایشان، توجه به این اصل اساسی در باب سبک زندگی و به‌ویژه سبک زندگی اجتماعی مطرح است که «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود» (همان).

به نظر رهبری، ما به رغم پیشرفت‌های بنیادین در بخش‌های زیرساختی، در این بُعد اساسی تمدنی آسیب جدی داریم. لذا ایشان فهرستی از آسیب‌های کلان را مطرح می‌کنند که برخی از آنها بدین قرارند: ضعف در کار جمعی، آمار بالای طلاق، اعتیاد، عدم رعایت فرهنگ همسایگی، ضعف فرهنگ صله رحم، نبود فرهنگ رانندگی، معماری غربی، مدل لباس، معاشرت اجتماعی، دروغ، پرخاشگری، نبود انضباط اجتماعی و وجدان کاری، کم‌کاری، قانون‌گریزی، غیبت، فرزندگریزی، اخلاق خانواده، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی (خامنه‌ای، ۹۱/۷/۲۳).

اکنون که جایگاه علوم انسانی در هندسه تمدن اسلامی روشن شد، در ادامه سخنان رهبری را در سه حوزه محتوا، برنامه و سازمان تحول علوم انسانی بررسی می‌کنیم. در این میان، مهم‌تر از همه نگاه عمیق رهبری به محتوا و ابعاد مختلف علوم انسانی موجود و ترسیم وضعیت مطلوب علوم انسانی اسلامی است. برای رعایت اختصار، به بخشی از اندیشه رهبری در باب محتوای علوم انسانی اسلامی می‌پردازیم.

۳. محتوای علوم انسانی اسلامی

۳-۱. مبانی علوم انسانی اسلامی

مهم‌ترین مبانی علوم انسانی اسلامی از نگاه رهبری، بدین قرارند:

الف) حاکمیت توحید در علوم انسانی:

اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله مبدأ است؛ مسئله توحید است؛ «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». مهم‌ترین مشکل دنیایی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره می‌کنیم، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری و اینها وجود دارد، لیکن به اعتقاد به خدا التزام نیست. اگر مسئله مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. «يَسْتَبِيحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، «وَلِلَّهِ جُنُودَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا». وقتی انسان به این مسئله معتقد شد، این عزت الهی، این توحیدی که این معنا را به ما نشان می‌دهد، یک نیروی عظیم و تمام‌نشدنی را در اختیار بشر می‌گذارد. «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ». وقتی انسان این جور توحیدی را معتقد بود، وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنه زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد (خامنه‌ای، ۸۹/۹/۱۰).

ب) معادباوری:

دومین مسئله مهم در حوزه مبانی علوم انسانی، توجه به مسئله معاد در تولید علوم انسانی اسلامی است.

قضیه معاد، قضیه محاسبه، قضیه تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ - است؛ این خیلی مسئله مهمی است؛ اینکه حساب و کتابی در کار است؛ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ». ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه عملی‌اش این معنا باشد که «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»، در زندگی‌اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد. اعتقاد به امتداد نتایج عمل، ایثار و جهاد را معنا می‌بخشد و منطقی می‌کند. یکی از ابزارهای مهم ادیان - که در اسلام به طور واضحی وجود دارد - مسئله جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و الا جهاد نخواهد شد. ایثار یعنی از خودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. خوب، چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی می‌کند، عقلانی

می‌کند. وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه اعمال محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حیوان واقعی و زندگی واقعی است؛ «ان الدار الآخرة لهی الحیوان» - این اعمال را در مقابل چشممان خواهیم دید، آن وقت اینجا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی‌کنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد، ولو آن چیز عزیزان و فرزندانمان باشد. باید اینها جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند. بنابراین مسئله اصلی، مسئله توحید و مسئله معاد است (خامنه‌ای، ۸۹/۹/۱۰).

ج) پیوند دنیا و آخرت:

مسئله مهم دیگری که در تولید علوم انسانی اسلامی باید بدان توجه نمود «مسئله عدم تفکیک دنیا و آخرت است؛ «الدنیا مزرعة الآخرة»، که به نظرم بعضی از دوستان هم اشاره کردند؛ این خیلی مهم است. دنیا و آخرت از هم جدا نیستند. آخرت ما آن روی سکه دنیای ماست. «وان جهنم لمحیطه بالکافرین»؛ کافر همین حالا توی جهنم است، منتها جهنمی که او نمی‌فهمد که الان توی جهنم است؛ بعد که این تجسم پیدا کرد، می‌فهمد. «ای دریده پوستین یوسفان / گرگ بر خیزی از این خواب گران». الان او گرگ است، منتها احساس گرگی نمی‌کند. ما هم که چشممان بسته است، او را گرگ نمی‌بینیم؛ اما وقتی که از خواب بیدار شدیم، می‌بینیم این گرگ است. پس پیوستگی دنیا و آخرت به این معناست. این جور نیست که حالا مثلاً فکر کنیم دنیا مثل بلیت‌های بخت‌آزمایی است؛ نه اصلاً آخرت آن روی این دنیاست، آن روی این سکه است (خامنه‌ای، ۸۹/۹/۱۰).

د) انسان محوری:

از دیگر مبانی مهم در تولید علوم انسانی اسلامی توجه به جایگاه انسان در عالم خلقت است: نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان؛ این موضوع در اسلام خیلی معنای وسیعی دارد. خوب، پیداست انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و پوزیتویسم قرن نوزده و اینها مطرح است، به کلی متفاوت است؛ این یک انسان است، آن یک انسان دیگر است؛ اصلاً تعریف این دو انسان یکی نیست. لذا محور بودن انسان هم در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب مادی به کلی متفاوت است. انسان، محور است. همه این مسائلی که ما داریم بحث می‌کنیم: مسئله عدالت، مسئله امنیت، مسئله رفاه، مسئله عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود. اینجا مسئله سعادت و مسئله عبقا

متعلق به فرد است؛ نه به این معنا که انسان از حال دیگران غافل باشد، برای آنها کار نکند؛ نه، «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». در روایت هست که معنای این جمله را از امام پرسیدند، فرمود: تأویل اعظم آن این است که تو کسی را هدایت کنی. معلوم است که هدایت وظیفه همه است؛ لیکن در نهایت آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مطرح است و اهم است، نجات خودش است. ما باید خودمان را نجات دهیم. نجات ما به این است که به وظایفمان عمل کنیم؛ که البته آن وقت وظایف اجتماعی، استقرار عدالت، ایجاد حکومت حق، مبارزه با ظلم، مبارزه با فساد، این‌ها همه جزو مقدمات همان نجات است. بنابراین اصل این است. همه چیز مقدمه است؛ جامعه اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» - که به عنوان هدف انبیا ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد. انسان موجودی است مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی - «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ / وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ / وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» - می‌تواند هدایت را انتخاب کند؛ می‌تواند ضلالت را انتخاب کند. انسان موجودی است متعهد، برای خود، برای جامعه، برای اهل. آن وقت با این نگاه، مردم‌سالاری علاوه بر اینکه برای مردم یک حق است، یک تکلیف هم می‌شود؛ یعنی همه مردم در امر حکومت جامعه مسئول‌اند. نمی‌شود گفت که آقا به من مربوط نیست؛ نه، صلاح و فساد کشور، حکومت، اینها به یکایک انسان‌ها مرتبط است؛ یعنی انسان در مقابل آن متعهد است. این هم یکی از آن عناصر اصلی است که بایستی در دیدگاه اسلام مورد ملاحظه قرار بگیرد و در این الگورعیات شود (خامنه‌ای، ۸۹/۹/۱۰).

۲-۳. نقد علوم انسانی غربی

از دیگر محورهای مهم در اندیشه رهبری در باب محتوای علوم انسانی، نقد علوم انسانی غرب است. نقد علوم انسانی غربی در نگاه رهبری عمدتاً در محورهای زیر است:

الف) ناهماهنگی با ارزش‌های دینی: در نگاه رهبری، بیشتر علوم و معادلات کاربردی مطرح در دانشگاه‌ها که عمدتاً از غرب گرفته شده‌اند، با ارزش‌ها و معارف دینی هماهنگ نیستند و بالاتر اینکه با دین ضدیت دارند:

اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار

دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد (خامنه‌ای، ۸۹/۷/۲۹).

ب) ناکارآمدی: محور دوم نقد ایشان، نقد به محصول این علوم انسانی است؛ یعنی معتقدند این محصول از کارایی بالایی در اداره نظام اسلامی برخوردار نیست: «وقتی اینها (علوم انسانی غربی) رایج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند» (خامنه‌ای، ۸۹/۷/۲۹)؛

ج) ناکارآمدی در خودِ غرب:

پیشرفت کشورهای پیشرفته غربی نتوانست فقر را از بین ببرد؛ نتوانست تبعیض را از بین ببرد؛ نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند؛ نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند. اولاً آن پیشرفت بر پایه ظلم و استعمار و غارت کشورهای دیگر بنا شد... بعد هم با پیشرفت‌های گوناگون، نه ظلم را در کشورهای خودشان برطرف کردند، نه تبعیض را برطرف کردند، نه جوامع فقیر را توانستند به بی‌نیازی برسانند؛ می‌بینید امروز هم وضع اقتصاد در این کشورها چه جوری است؛ وضع اجتماعی چه جوری است؛ وضع اخلاقی چه جوری است؛ این انحطاط اخلاقی، این لجنزار اخلاق جنسی در غرب. پیشرفت تمدن غربی، یک چنین پیشرفتی است (خامنه‌ای، ۹۲/۵/۱۵).

د) کهنگی: محور بعدی نقد ایشان، عدم کارایی علوم انسانی موجود به دلیل گذشتن تاریخ مصرف آنهاست:

درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهای بی‌مثل کشور ما و غیردارندگان بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نویی و طراوت افتاده است. البته در همه زمینه‌ها همین‌طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین‌طور است (خامنه‌ای، ۸۳/۴/۱).

۴. برنامه تولید علوم انسانی اسلامی

مقام معظم رهبری بارها بر ضرورت برنامه‌ریزی در تحول علوم انسانی تأکید کرده‌اند: «به نظر من این مسئله خیلی حساس و مهمی است. نیازهای اصلی کشور در حوزه علوم و فناوری باید احصا شوند؛ در زمینه علوم انسانی هم همین‌جور؛ بر اساس اینها برنامه‌ریزی شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۶/۱۴). علاوه بر این تأکید، برخی محورهای فرمایش‌های رهبری ناظر به برخی وجوه کلان برنامه تحول علوم انسانی و تولید علوم انسانی اسلامی است. علی‌القاعده در هر برنامه‌ای ابتدا اهداف تعیین می‌شوند و سپس با شناخت موانع، راهکارهایی برای عبور از موانع جهت رسیدن به اهداف ارائه می‌گردد. البته پرواضح است که به سبب جایگاه رهبری به عنوان حافظ جهت‌گیری‌های نظام و ایجاد ظرفیت‌های جدید در بخش‌های مختلف نظام، طرح این موارد از سوی ایشان تنها در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردی است و جریان این مطالبات، نیازمند طراحی برنامه‌های پیشرفت دقیق به صورت کمی است.

۱-۴. اهداف

از آنجاکه گستره حرکت و نهضت علمی از نظر رهبری بسیار وسیع است، لذا ایشان اهداف پرشماری را برایش ترسیم فرموده‌اند. مهم‌ترین اهداف اصلی به ترتیب اولویت در کلام رهبری، عبارت‌اند از: ساخت تمدن اسلامی با ابعاد گسترده جهانی و با پرچمداری انقلاب اسلامی؛ تولید و ارائه الگوی اداره اسلامی؛ آزاداندیشی و خروج متفکران جهان اسلام از سلطه علمی و فکری جهان غرب و در نهایت حفظ عزت اسلامی.

۱. ساخت تمدن اسلامی: «سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند خط رسیدن به تمدن اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۷/۷۹)؛

۲. خودکفایی علمی: «کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران به کلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸)؛

۳. دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: «دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و

پیش رفت، نمی‌خواهیم» (خامنه‌ای، ۹۲/۵/۱۵)؛

۴. عزت اسلامی-ایرانی:

امروز وظیفه شماست که تلاش کنید، و هدف این تلاش هم عبارت است از عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی. کشورتان را از همه جهت مستقل کنید. البته مستقل بودن، به معنای این نیست که در استفاده از خارج از مرزها را ببندیم؛ اینکه معقول نیست. هیچ کسی هم به این کار دعوت نمی‌کند. در طول تاریخ، افراد بشر از همه استفاده کرده‌اند؛ اما فرق است بین تبادل فکر و اندیشه و دارایی‌ها میان دو موجود همسان و هم‌وزن و هم‌قدر؛ در یوزگی یک موجود از موجود دیگر از راه التماس و اعطای به او همراه با تحقیر. این، آن چیزی است که کم‌وبیش تا قبل از انقلاب بوده است (خامنه‌ای، ۷۷/۶/۱۲)؛

۵. دستیابی به عدالت: «پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدن

پرجلوه غرب، امروز دارید مشاهده می‌کنید» (خامنه‌ای، ۹۲/۰۶/۶).

۲-۴. موانع

رهبری در فرمایش‌های خود، موانع متعددی را برای تولید علم ذکر کرده‌اند که عمده آنها بدین قرار است:

۱. ناامیدی و شتاب‌زدگی:

از شما و همفکرانتان در حوزه و دانشگاه می‌خواهم که این ایده‌ها را تا لحظه عملی شدن و ثمر دادن هر چند دراز مدت، تعقیب کنید؛ نه مأیوس و نه شتابزده؛ اما باید این راه را که راه شکوفایی و خلاقیت است به هر قیمت پیمود. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشانند (خامنه‌ای، ۸۱/۱۱/۱۶)؛

۲. افکار التقاطی:

یک عده تحت تأثیر جاذبه‌های افکار نو و وارداتی، مجذوب اینها می‌شدند و سعی می‌کردند اسلام و فکر اسلامی و دین را با اینها تطبیق کنند؛ منتی هم بر سر دین می‌گذاشتند که ما اسلام را جوان‌پسند و مردمی و قابل قبول کرده‌ایم! گاهی اوقات کاسه از آش داغ‌تر هم می‌شدند و چند قدم هم جلوتر از صاحبان این فکرها پیش می‌رفتند؛ برای اینکه مبادا متهم به مرتجع بودن و این حرف‌ها شوند که این کار را هم ما در مواردی دیدیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۲/۱۸)؛

۳. آنارشیزم علمی:

البته اشتباه نشود؛ من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه‌ای، آن کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری بکنند، به مهمل‌گویی می‌افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی داریم این را می‌بینیم؛ آدم‌های ناوارد بدون اینکه از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند، که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است (خامنه‌ای، ۷۹/۱۲/۹)؛

۴. نگرش انحصاری به مفاهیم وارداتی:

درباره تفکر و فرهنگ وارداتی غرب بارها صحبت کرده‌ام. بعضی ممکن است این را حمل بر نوعی تعصیب و لجبازی کنند؛ نه، این تعصب و لجبازی نیست. برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیز ممکن‌تر و سهل‌تر از این نیست که قدرتمندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل بدهند (خامنه‌ای، ۷۹/۱۲/۹)؛

۵. وجود روحیه ترجمه‌گرایی:

ما این مشکل تاریخی را داریم و متأسفانه این مشکل در حکومت‌های وابسته و فاسد پیشین این کشور ریشه دارد و بلایی است که از ۱۵۰ سال پیش بر سر ما آمده و باید خود را به تدریج از این بلاها رها کنیم و آن این است که از اولی که پرتو علم جدید در این کشور افتاد، نخبگان آن روز کشور به فکر ترجمه افتادند. نه فقط ترجمه آثار علمی، بلکه حتی فکر و اندیشه ترجمه‌ای؛ همه چیز را به صورت ترجمه از آنچه دیگران انجام دادند (خامنه‌ای، ۸۱/۷/۳).

۳-۴. راهکارها

پس از شناخت موانع تولید علم در اندیشه رهبری، به راهکارهای کلان تولید علم در اندیشه ایشان می‌پردازیم. اندیشه رهبری در باب راهکارها نیز اندیشه جامعی است؛ یعنی برخی راهکارها ناظر به تغییر روحیه عناصر تولیدکننده علوم، و برخی ناظر به اندیشه تحول و برخی ناظر به رفتارهای علمی در راستای تولید علم است.

۱. تقویت روحیه استکبارستیزی:

پیکاری وسیع در زمینه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اندیشه از سوی مراکز استکباری در جریان است تا نظام اسلامی در افکار عمومی کشورهای مسلمان و نیز در نظر ملت

ایران، به ناتوانی متهم شود و درخشش و جذابیت خود را از دست بدهد. اکنون از سویی دولتمردان جمهوری اسلامی و از سویی متفکران و اندیشه‌وران انقلاب، خود را موظف دانسته‌اند تا در بخش مربوط به خود، با این هدف شیطانی مقابله کنند و به یاری خداوند، استحکام و آسیب‌ناپذیری و جایگاه برتر فکری و عملی نظام اسلامی را بار دیگر به اثبات برسانند. خود را هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ علمی و عملی آماده سازید تا در این جهاد بزرگ و آکنده از افتخار، به دیگر فرزندگان و نخبگان مؤمن و انقلابی بپیوندید (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۶/۱۹)؛

۲. ایجاد روحیه خودباوری و خودآگاهی جمعی:

بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها این قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید: مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله، من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید، پنجاه سال دیگر این طوری شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳)؛

۳. تشویق به حرکت جهادی در تولید علم:

امروز اگر برای برتری علمی با غربی‌هاست، در آینده نه‌چندان دوری هم با اراده شما می‌توان کاری کرد که فردا آنها از شما یاد بگیرند. مرزهای دانش را بشکنید. اینکه من می‌گویم نهضت نرم‌افزاری، انتظار من از شما جوان‌ها و اساتید این است. تولید علم کنید. به سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید. کار کنید. با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد عبور کرد؛ در بعضی رشته‌ها زودتر و در بعضی رشته‌ها دیرتر (خامنه‌ای، ۸۳/۴/۱۷)؛

۴. شکستن جزمیت‌ها: «اگر بخواهید از لحاظ علم پیش بروید، باید جرئت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیر جزم‌گیری تعریف‌های علمی القاشده و دایمی دانستن آنها خلاص شوند» (خامنه‌ای، ۷۹/۱۲/۹)؛

۵. تبیین آثار سوء مصرف‌زدگی:

نباید صرفاً مصرف‌کننده فرآورده‌های علمی دیگران بود؛ باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که این روح

نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده بشود و زنده بماند. البته من خوشبختانه این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می‌بینم. اینها باید دست به دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد (خامنه‌ای، ۷۹/۱۲/۹)؛

۶. نظریه پردازی:

نوآوری و ایجاد افق‌های جدید در تولید علوم، نیازمند تئوری‌پردازی‌های متنوع در ابواب مختلف علوم است. اگر صاحبان تمدن مادی و فرهنگ لیبرال‌دموکراسی در صدده جهانی سازی هستند، تمامی تلاش‌های آنها مبتنی بر تئوری‌سازی و مفهوم‌سازی سریع و دقیق می‌باشد. لذا همه حوزه‌های علمیه و هم دانشگاه‌های کشور باید این جرئت را به خود بدهند و تنها به پردازش تئوری‌های و نظریه‌های گذشتگان یا نظریه‌های وارداتی بسنده نکنند؛ بلکه خود به تئوری‌پردازی ناب و مفهوم‌سازی بپردازند (خامنه‌ای، ۹۰/۲/۲۷)؛

۷. رفتن از راه میانبر:

واقعیت این است که ما دویست سال از علم دنیا عقب مانده‌ایم؛ اما معنای رسیدن به مرزهای دانش این نیست که راهی را که اروپایی‌ها در طول دویست سال رفته‌اند، ما هم همان راه را در طول دویست سال برویم؛ بعد به آنجایی که امروز رسیده‌اند، برسیم؛ نه، این حرف‌ها نیست؛ ما راه‌های میان‌بر پیدا می‌کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۷)؛

۸. ایجاد فضای باز علمی: «به نظر من در باب نظریه‌پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد؛

بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی و جدا کردن سره از ناسره همت شود» (خامنه‌ای، ۷۷/۳/۵)؛

۹. ایجاد ارتباط بین پژوهش و آموزش: «مسئله تغییر بنای آموزش بر مبنای پژوهش که گفته

شد، حرف درستی است. روی این کار تأکید شده که انجام شود؛ منتها شما می‌دانید که این طور کارهای بنیانی زمان می‌طلبد؛ ولی فکر، فکر کاملاً درستی است و باید دنبال کرد» (خامنه‌ای، ۸۲/۱۱/۲۱)؛

۱۰. عمل‌گرا بودن پژوهش:

دو سرفصل را هم مطرح کنم که در صحبت‌های خود اگر به اینها توجه کنید و درباره اینها هم سخنی بگویید، خوب است: یکی عبارت است از راه‌حل عملگراتر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور؛ چه از سوی استادان و برگزیدگان، و چه از سوی دانشجویانی که در دانشگاه‌ها پایان‌نامه‌هایی را می‌نویسند، حین تحصیل یا در پایان تحصیل، از سوی دانشجو و استاد، ساعت‌های بسیار ذی‌قیمتی صرف تهیه یک

پایان نامه یا یک پژوهش در دانشگاه می شود. آیا گزینش این عناوین، حساب شده و در جهت نیازهای کشور است؟ آیا محصول پژوهش و تحقیقی که استاد و دانشجو، مشترکاً و یا به طور دست جمعی انجام داده اند، به مرحله اجرا و عمل می رسد؟ آیا به این وسیله، دانشگاه ما، دانش ما و رتبه تحقیقاتی ما رشد می کند یا نه؟ (خامنه ای، ۸۳/۹/۲۶).

۵. سازمان تولید علوم انسانی اسلامی

مقام معظم رهبری علاوه بر تعیین سیاست های کلان و هدف گذاری، به تبیین وظایف بخش های مختلف جامعه برای تولید علوم انسانی اسلامی پرداخته اند. براین اساس در این قسمت وظایف سه بخش کلان جامعه، یعنی «حکومت و نظام»، «حوزه های علمیه» و «دانشگاه ها»، همراه با زیربخش های هر یک بیان می شود:

۱-۵. وظایف نظام اسلامی

مجموعه نظام و حکومت، مجموعه ای متشکل و به هم پیوسته است که وظیفه تأمین نیازمندی ها و رشد و تکامل همه جانبه جامعه را در تمامی ابعاد به عهده دارد. وظیفه اصلی حکومت عینیت بخشیدن و تکامل دائمی آرمان های اجتماعی است و لذا توسعه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را دنبال می کند.

حکومت به دلیل رویارویی با عینیت، مدام از اطلاعات موجود برای حل معضلات و مشکلات پیش روی آرمان ها و تکامل مدام برنامه های خود در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی استفاده می کند و در این راستا با مجموعه ای از نیازمندی های جدید و نورو به رو می شود که اطلاعات موجود نمی توانند پاسخ گوی آنها باشند.

اعلان نیازها به حوزه های فکری و نظری برای نظریه پردازی و ایجاد بسترهای مناسب در بدنه نظام برای تولید اطلاعات کارآمد، از وظایف مهم نظام و بخش های مختلف آن است. پرواضح است که برای ارتقای ساختارهای نظام و حکومت از طریق تولید علم و نظریه پردازی ها نمی توان مبتنی بر ساختارهای موجود اقدامی چشمگیر کرد؛ لذا لازم است نظام، ملاحظاتی ویژه برای تحقق این مهم داشته باشد.

۱-۱-۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی

یکی از نهادهای اصلی حکومت در امر مدیریت فرهنگی جامعه در ابعاد مختلف فرهنگ «بنیادی، تخصصی و عمومی» در محورهای مختلف «تولید، توزیع و مصرف» فرهنگ و محصولات فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی است. از مهم‌ترین وظایف این نهاد، ایجاد بسترهای مناسب در جامعه علمی کشور برای سرعت بخشیدن به تحقق نهضت نرم‌افزاری و تولید علوم انسانی اسلامی است.

از شورای محترم انقلاب فرهنگی و به‌ویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه علوم و فنون و صنایع و به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای این کار بزرگ به تدریج فراهم گردد و دانشگاه‌های ما بار دیگر در صف تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ قرار گیرند (خامنه‌ای، ۸۱/۱۱/۱۶).

۲-۱-۵. دولت

دولت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین زیرمجموعه‌های حکومت و رهبری و بازوی اجرای نظام، مسئول فراهم آوردن زمینه فراگیری تولید علم در همه زمینه‌هاست. لذا باید اهداف و مقدرات را شناسایی کند و برنامه‌ریزی لازم را برای تحقق این مهم انجام دهد: «دستگاه‌های مسئول دولتی و اجرایی علاقه‌مندند به علم اهمیت بدهند و این را قبول کرده‌اند که علم، محور توسعه حقیقی برای کشور است. ما بدون علم نمی‌توانیم به جایی برسیم» (خامنه‌ای، ۸۳/۹/۲۶).

۳-۱-۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وظیفه برنامه‌ریزی‌های عینی و عملی جامعه را بر عهده دارد. این برنامه‌ها عمدتاً از طریق الگوهای خاص توسعه صورت می‌پذیرند؛ الگوهایی که عموماً با فرهنگ دینی و ملی ما بیگانه و معمولاً استعماری‌اند. لذا لازم است این سازمان مهم دولتی در زمینه تولید الگوهای جدید برنامه‌ریزی خاصی داشته باشد که یقیناً خروجی نهضت نرم‌افزاری، تحقق چنین الگوهایی است.

سازمان برنامه و بودجه در گذشته اساساً با تفکر امریکایی و با هدف استفاده از الگوهای

غربی به وجود آمد؛ اما ایران اسلامی الگوی متناسب با واقعیات خود را دارد و بر همین اساس، این سازمان باید در برنامه‌ریزی‌های خود با روحیه کپی کردن نظریات غرب مبارزه کند؛ چون آنچه را که غرب در زمینه توسعه بیان می‌کند، از فرهنگ واحد و اهداف استعماری جدا نیست (خامنه‌ای، ۷۵/۲/۲۵).

۴-۱-۵. مدیران اجرایی

مدیران اجرایی حکومت، امکانات و نیروهای انسانی بسیاری در اختیار دارند و با داشتن ابزار قدرت، یعنی قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، می‌توانند بروند تولید علم بسیار تأثیرگذار باشند. آنها می‌توانند موانع و مشکلات را شناسایی کنند و با پیشنهادهای خود و نیز قانون‌گذاری از مجاری مربوطه، راه را هموار سازند. بایسته است که همه مسئولان بخش‌های کشور چه بخش‌های سیاسی و اقتصادی و چه بخش‌های فرهنگی به فکر تولید و نوآوری‌های جدی در حوزه مسئولیت‌های خود باشند. نکته دیگر این است که در زمینه‌های کار اقتصادی عمده تلاش را باید روی تولید برد؛ اساس مسئله، تولید است. ببینید در کدام نقطه از مجموعه مقررات کشور مزاحم با تولید وجود دارد، آن را علاج کنید. البته این کار نگاه کردن و دید وسیع اقتصادی لازم دارد که مجموع بخش‌ها وزارت اقتصاد و دارایی بانک مرکزی، وزارتخانه‌های صنایع، کشاورزی، بازرگانی و... که شریک در امر ترکیب و ساماندهی اقتصادی کشور هستند، با همدیگر روی این مسئله فکر کنند ببینند کجا گیرهایی وجود دارد که مانع تولید (چه تولید صنعتی و چه تولید کشاورزی، علمی و آنچه مربوط به وزارت علوم و آموزش و پرورش و کارهای تحقیقاتی و پژوهش‌ها می‌شود) است (خامنه‌ای، ۸۲/۶/۵).

۵-۱-۵. تشکیل سازمان نخبگان

پرواضح است که بار اصلی تولید علوم انسانی بر دوش نخبگان جامعه علمی کشور است؛ به‌ویژه با فضای مناسبی که در این مقطع تاریخی برای کشور به وجود آمده است، وظیفه نخبگان جامعه بسیار خطیر و سنگین است. پیشنهاد اجرایی مقام معظم رهبری در ایجاد زمینه مناسب برای حضور فعال نخبگان، تشکیل «سازمان نخبگان علمی کشور» و ارائه برنامه‌های خاصی برای تقویت نخبگان جامعه است:

نکته جدیدی که در این جلسه چند نفر از شماها تکرار کردید، همان مسئله سازمان

نخبگان علمی کشور یا مرکز ویژه‌ای برای امور نخبگان است. البته اینکه چنین جمعی را خود نخبگان باید اداره کنند، در آن تردید نیست؛ یعنی تا کسی خودش با مسائل ذهنی علمی و عملی مربوط به یک جمع نخبه‌آشنایی و دلبستگی نداشته باشد، نمی‌تواند کار کند؛ اما سخن در این نیست که چه کسانی آن را اداره می‌کنند. این کار، هر جای کشور است و ناگزیر بایستی دولت زیر بار این کار برود؛ فکر خوبی است؛ منتها وقتی دولت مسئول کاری می‌شود، اداره این مجموعه را باید به کسانی واگذار کند که حقیقتاً شایسته باشند. البته باید سعی شود که این مرکز در دستگاه‌های اداری حل نشود و دستگاهی در کنار دستگاه‌های دیگر و با مشکلات برخی از آنها به وجود نیاید؛ به خصوص رگه‌های سیاسی و سیاسی‌کاری و سیاست‌بازی اصلاً نباید در این مجموعه کارها بیاید (خامنه‌ای، ۸۲/۱۱/۲۱).

۲-۵. وظایف حوزه‌های علمیه

از نگاه رهبری حوزه‌های علمیه پایگاه مشروعیت و ایدئولوژیک یک نظام اسلامی به شمار می‌آیند؛ لذا بایسته است که همواره مفاهیم کارآمدی را برای اداره نظام ارائه دهند. براین اساس وظیفه آنها شناسایی نظام و نیازمندی‌های حکومت، اولویت‌بندی آنها و شناسایی ظرفیت‌های موجود برای پاسخ‌گویی و تولید مفاهیم است.

۱-۲-۵. وظیفه مدیریت، ایجاد دستگاه برنامه‌ریزی قوی

شناسایی نظام نیازهای مختلف داخلی و خارجی، تنظیم محتوای علوم مورد نیاز، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است. حوزه‌های علمیه باید تنها به محدوده خود نگاه نکنند، اگر تمدن مادی به دنبال جهانی‌سازی است، حوزه‌های علمیه هم باید به دنبال جهانی‌سازی بر مبنای دین مبین اسلام باشند و این کار جز با برنامه‌ریزی دقیق و به‌روز امکان‌پذیر نمی‌باشد.

اگر ما امروز بخواهیم بدانیم که برای قم با این ظرفیت، چگونه برنامه‌ریزی لازم است، باید نگاه کنیم به دنیا؛ باید نگاه کنیم به نیاز عالم؛ باید نگاه کنیم به بروز و ظهور روز به روز و دم‌به‌دم افکار و نظریات و حرف‌ها و مسائلی که در ارتباط با مسائل حوزه‌های علمیه است؛ نه در فنون و علوم می‌که مستقیماً ربطی به حوزه‌های علمیه ندارد؛ نه درباره همین مسائلی که مستقیماً مربوط به حوزه‌های علمیه است. در دنیا به طور مداوم حرف‌هایی

دارد به وجود می‌آید در باب اخلاق، در باب حقوق، در باب فلسفه دین، در باب مسائل کلامی حرف‌های جدیدی دارد مطرح می‌شود (خامنه‌ای، ۷۹/۶/۲۰).

۲-۲-۵. وظیفه علما و مراجع بزرگوار

علما و مراجع بزرگوار میراث‌دار حوزه‌های علمیه‌اند که با تلاش بسیار همواره همچون خورشیدی تابناک درخشیده است. مسلماً تکامل علوم انسانی بدون اطلاع، حمایت و هدایت ایشان امکان‌پذیر نیست. خط مستقیم هدایت دینی از مسیر علم علما عبور می‌کند و مسلماً ادامه این خط و یافتن افق‌های جدید تنها در چارچوب مبانی امکان‌پذیر است. تولیدات جدید باید به نحوی در معرض افکار صاحبان فن قرار گیرد، تا سلامت آنها به لحاظ علمی اثبات گردد. لذا مقام معظم رهبری درخواست مساعدت علما و مراجع و اهل فن را در این کار دارند:

برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران» تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود (خامنه‌ای، ۸۱/۱۱/۱۶).

۳-۲-۵. وظیفه طلاب و فضایی جوان

حاملان اصلی نهضت تولید علم در حوزه‌ها طلاب جوان و فضایی حوزه هستند که از سویی با مبانی موجود و از سوی دیگر به دلیل ارتباط و حضور در انقلاب و حکومت، با نیازهای جدید و نوبه‌نوی حکومت آشنایی دارند. البته پرواضح است که برای ایجاد نوآوری در معارف دینی هم به اجتهاد و هم به جرئت و نوآوری علمی نیاز داریم. لذا همه نمی‌توانند برای تولید معارف دینی وارد میدان شوند و هر کس متصدی این کار می‌شود، باید مقدمات را برای رسیدن به این مرحله از تولید علم طی کند.

برای این نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرئت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است و هوش وافر، ذخیره علمی لازم، مجاهدت فراوان برای فراگیری، چیزهایی است که برای به دست آمدن قدرت علمی لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها، هیچ جا کاربرد ندارد، کاروان

علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند، بنابراین جرئت علمی لازم است (خامنه‌ای، ۷۹/۱۲/۱۹).

اجتهاد داریم، یعنی انسان صاحب‌نظر همیشه در صدد تکمیل فکر خود است. در راه تکامل، گاهی انسان خطایی را تصحیح می‌کند؛ این درست و خوب است. در طریق فکر اسلامی، صاحب‌نظران، اندیشمندان و انسان‌هایی که قدرت اجتهاد و استنباط در مبانی فکری و نظری انقلاب را دارند، نه هر کسی که ادعا دارد، نه کسی که صلاحیت‌های علمی و فکری لازم را کسب نکرده است دائم باید فکر کنند و اندیشه را تکمیل نمایند؛ این چیز خوبی است (خامنه‌ای، ۸۰/۱۰/۱۲).

۴-۲-۵. ایجاد مجامعی برای بررسی افکار نو

از جمله کارهایی که مدیریت حوزه باید برای زمینه‌سازی تولید علم صورت دهد، ایجاد مجمع‌هایی برای بررسی افکار نو است. این مجامع باید در زمینه علوم عقلی، فقه و کلام باشند. دیدگاه‌هایی که در این مجمع‌ها طرح می‌شوند، توسط مسئولان مجمع بررسی می‌گردند و نهایتاً در صورت صحت نظریه، می‌توانند به عنوان اندیشه‌هایی نو مطرح شوند و علوم حوزوی را یک گام به جلو ببرند.

... خامساً، ایجاد محیط‌های باز برای پرورش افکار است. باید این کار در حوزه انجام بشود و از چیزهایی است که حوزه را زنده خواهد کرد و آن نتایج، مترتب خواهد شد. باید برای فقه و کلام و علوم عقلی، مجمع‌هایی تشکیل شود و مثلاً برای فقه مجمع بررسی مباحث تازه فقهی مرکب از هفت، هشت، ده نفر طلبه فاضل ایجاد شود و اینها مرکزی داشته باشند و جلساتی تشکیل بدهند و سخنرانی‌های فقهی بگذارند. تا هر کس هر خطابه و مطلب و فکر جدید در فلان مسئله فقهی دارد (از طهارت تا دیات کوچک و بزرگ) به آنجا بیاورد و آنها نگاه کنند. اگر دیدند ارکانش درست است (نه اینکه خود حرف درست باشد) و متکی به بحث و استدلال طلبگی است و عالمانه طرح شده است، آن را در فهرست بنویسند و در نوبت بگذارند تا اینکه آن فرد، روزی بیاید و در حضور جماعتی (که اعلان می‌شود خواهند آمد) سخنرانی کند و آن مسئله را آزادانه تشریح کند و یک عده هم آنجا اشکال کنند.

شبییه همین مجمع برای کلام باشد باید حرف‌ها در فضای حوزه قابل بیان شود و کسانی که حرف تازه‌ای دارند، بیایند بگویند. رُبَّ حامل فقهه الی من هو افقه منه؛ ای بسا کسانی

که یک مطلب فقهی را ابراز می‌کنند، کسی می‌شنود و از او منتقل می‌گردد و بعد به یک مطلب خوب می‌رسد (خامنه‌ای، ۷۴/۹/۱۳).

۳-۵. وظایف دانشگاه‌ها

بار اصلی تولید علوم انسانی اسلامی بر دوش دانشگاه‌های کشور و مراکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاه‌هاست؛ هرچند این مهم تنها در سایه وحدت نظری با حوزه‌های علمیه صورت می‌گیرد. لذا هم مدیریت دانشگاه، هم اساتید و هم دانشجویان، همگی وظایفی در قبال تولید علوم انسانی اسلامی دارند.

۱-۳-۵. مدیریت دانشگاه

پرواضح است که دانشگاه‌ها، نیروهای مختلفی را برای کارهای اجرایی، کارشناسی، مراکز تحقیقی، صنایع و... در تمامی بخش‌های مختلف جامعه تأمین می‌کنند. تولید اطلاعات و تربیت نیروی انسانی بر اساس آن می‌تواند روند تکاملی انقلاب را سرعت بخشد. طبیعتاً اصلی‌ترین کار دانشگاه، شناسایی نظام نیازمندی‌ها و اولویت‌بندی آنها و تخصیص نیروهای انسانی کارآمد برای نظریه‌سازی و... است و برای تحقق این مهم باید برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیق داشته باشد.

نکته سوم این است که همه این کارها فقط احتیاج به پول و استعداد ندارد، بلکه احتیاج به مدیریت شایسته دارد که این برمی‌گردد به بخش‌های مدیریتی دانشگاه؛ چه رؤسای دانشگاه و دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی، چه مدیران دستگاه دولتی که مربوط به علم‌اند؛ مثل وزارتخانه‌های علوم، بهداشت و آموزش و پرورش؛ اینها وظایف سنگینی دارند. چون ظاهراً وزرای محترم اینجا تشریف دارند، این نکته را بگویم که آنها بشنوند و دنبال کنند: کسانی که در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها مسئولیت مدیریتی دارند، با تشخیص درست و اهمیت دادن به موضوع، می‌توانند نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در این هدفی که مورد علاقه همه ماست، ایفا کنند.

ما امروز استعدادهای زیادی در کشور داریم که بایستی شناسایی، جمع و هدایت شوند و باید به آنها عملاً تفهیم شود که برای استعدادشان ارزش قائلیم. همین مسائل مادی و پول و پاداش که در خلال فرمایشات بعضی از دوستان بود عملی است؛ لکن بر مدیریت این کار متوقف است. البته شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در این زمینه مسئولیت و نقش

دارد که آنها هم بایستی به این مسائل توجه کنند، تا این آرزوها تحقق پیدا کند (خامنه‌ای، ۸۲/۸/۸).

در سایه این برنامه‌ریزی، باید نیروهای توانمند جهت تولید علم کاملاً به کار گرفته شوند و تمامی نیروی آنها رها شود.

شما این را بدانید که اگر این کشور به برکت انقلاب، کار رهاسازی نیروهای توانمند را به خود نمی‌دید و بنا بود که مثل همان چه کار در خیلی از کشورها هست، در این نظام نیز وجود داشته باشد، مطلقاً چنین پدیده عظیمی در کشور ما به وجود نمی‌آید (خامنه‌ای، ۸۲/۱۱/۲۱).

۲-۳-۵. ایجاد مدیریت تحقیقات سازمان یافته

همان‌گونه که در ساماندهی تحقیقات در حوزه‌های علمیه نیازمند مدیریت شبکه‌ای تحقیقات هستیم، در دانشگاه‌ها نیز برای ساماندهی و هماهنگی تحقیقات و مراکز پژوهشی به مدیریتی سازمان‌یافته و کارآمد نیاز داریم؛ مدیریتی که بتواند با هماهنگی بین سه بخش دولت، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و با ایجاد بستری مناسب، از همه ظرفیت‌های موجود تحقیقاتی حتی رساله‌های دانشجویی، به صورت بهینه استفاده کند.

همه کارها از جمله مسئله تحقیق و علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد؛ لذا بایستی این کار را پیش برد. البته بخشی از این کار مربوط به مسئولان دولتی است و بخشی مسئولیت دانشگاه‌ها و بخش دیگر مربوط به مسئولیت مراکز علمی است (خامنه‌ای، ۸۳/۴/۱).

۳-۳-۵. وظیفه اساتید و دانشجویان

اساتید و دانشجویان از مهم‌ترین ارکان دانشگاه هستند؛ لذا لازم است در کلاس‌های درس دانشگاه‌ها و در پژوهش‌های دانشگاهی، اساتید و دانشجویان خوش‌فکر فعال شوند؛ مفاهیم علمی در رشته‌های مختلف حل‌جی گردند و مفاهیم تازه و کارآمد بر اساس ارزش‌های اسلامی ارائه شود.

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در بعضی مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌جی کنند؛ روی

آنها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند؛ هم خودشان استفاده کنند، هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دستگاه‌ها این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکران و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد (خامنه‌ای، ۷۹/۱۲/۹).

آیین‌نامه‌های آموزش و مدیریتی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که استاد بتواند به راحتی مدافع خلاقیت و نوآوری باشد؛ نه اینکه ضوابط به عنوان مانعی بر سر راه اساتید جهت پژوهش ذهن‌های خلاق قرار گیرند.

استاد باید مدافع خلاقیت و نوآوری و ابتکار باشد. البته ما باید آیین‌نامه‌های تحصیلی را اصلاح کنیم؛ مرتب باید آیین‌نامه‌های آموزشی و آیین‌نامه‌های نانوشته چون خیلی از این آیین‌نامه‌ها نانوشته است مورد ارزیابی قرار بگیرد؛ نه اینکه هر روز عوض شود، اما دائماً مورد ارزیابی باشد و در مقاطع گوناگون عوض شود. این، جزو کارهای بسیار مهم است که البته در این زمینه، هم شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند نقش ایفا کند، هم وزارت علوم نقش دارد (خامنه‌ای، ۸۳/۱۰/۱۷).

البته باز این نکته اساسی اهمیت کرد که باید به جوانان حتی در سطح اساتید بها داده شود؛ چراکه اساتید جوان هستند که با روحیه آرمان‌گرایی خود و با جسارت علمی می‌توانند مرزهای علوم را درنوردند و به نوآوری روی آورند:

البته عقیده من این است که باید به اساتید جوان میدان بدهید. بخش بسیار عمده‌ای از ظرفیت و استعداد استادی ما که اشاره کردم مربوط به این جوان‌هاست؛ جوان‌هایی که در همین چند سال تحصیل کرده‌اند. امروز ما اساتید جوان و بسیار با استعداد و بسیار خوش‌آینده، فراوان داریم. باید از تجربه و عمق اساتید کارکشته و مجرب و کهن و قدیمی حداکثر استفاده را کرد؛ میدان را هم برای این جوان‌ها باز کرد تا بیایند و شناگری و رشد کنند. اینها علاوه بر اینکه فایده می‌بخشند، رشد هم می‌کنند.

نکته مهمی در مورد جوانی وجود دارد که من بارها آن را تکرار کرده‌ام. مهم‌ترین نکته جوانی، حوصله است. این را ما پیرها خوب می‌فهمیم؛ جوان‌ها خودشان درست ملتفت نمی‌شوند.

انسان وقتی گذشت زمان و گذشت عمر را تجربه کرد، گاهی استعداد هم دارد، میل هم دارد، کشش هم دارد، اما حوصله ندارد. ابزار حوصله، مهم‌ترین بستر برای جوان است. جوان حوصله دارد، دنبال کار می‌رود و تا گاو و ماهی مسئله را می‌کاود؛ برای اینکه به نتیجه‌ای برسد. از این حوصله جوانی که به او روح کنکاش و کنجکاوی و پیگیری و ژرف‌کاوی می‌دهد، باید حداکثر استفاده را کرد. به این جوان‌ها باید میدان داد (خامنه‌ای، ۱۳/۱۰/۸۳)

۴-۳-۵. دانشگاه و نظام

از دیگر مسائل مهم در دانشگاه اتصال مدام دانشگاه با دستگاه حکومت و نظام است. این ارتباط دوطرفه هم به نفع دانشگاه و هم به سود نظام است. دانشگاه با حضور جدی خود در بدنه نظام، می‌تواند آزمایشگاهی بزرگ برای ارزیابی بهینه مفاهیم علمی خود به دست آورد و از آن طرف نظام هم می‌تواند تصمیم‌گیری‌های خود را روز به روز به طرف عملی‌تر شدن سوق دهد.

یک عرصه [در دانشگاه‌ها] عرصه نشاط علمی است. من به شما عرض بکنم؛ امروز یکی از نیازهای اساسی و درجه یک کشور، نیاز علمی است. اگر چنانچه ما توانستیم در عرصه علمی، پیشرفت‌هایی را که تا امروز بحمدالله به دست آمده است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه مشکلات اقتصادی، هم در زمینه مشکلات سیاسی، هم در زمینه مشکلات اجتماعی، هم در زمینه مسائل بین‌المللی، مطمئناً گره‌گشایی‌های بزرگی خواهد شد (خامنه‌ای، ۶/۵/۹۲).

۵-۳-۵. اصلاح نظام آموزشی دانشگاه

از دیگر وظایف مدیریت دانشگاه‌ها، اصلاح نظام آموزشی در دانشگاه‌هاست؛ به گونه‌ای که این نظام اولاً از مدرک‌گرایی صرف خارج شود و ثانیاً نظامی پژوهش‌محور باشد، نه آموزش‌محور. به عبارت دیگر، نخستین مشکل دانشگاه‌ها در حال حاضر این است که در بخش نظام آموزشی، کیفیت پایینی دارند و همین امر موجب پایین آمدن نشاط لازم در امر آموزش و پژوهش می‌شود. تا حدودی نقایصی وجود دارد؛ شما آقایان هم بهتر از من می‌دانید. دبستان‌ها و دبیرستان‌های ما، مشکلات و نقایصی دارند. دانشگاه‌های ما از لحاظ ضعف کیفیت، مشکلاتی دارند. اگرچه در این سال‌های اخیر، مقداری به کمیت توجه شده - شاید هم چاره‌ای نبوده است - لیکن پایین بودن کیفیت در دانشگاه‌ها، چیزی است که مورد قبول و

آگاهی همه دست‌اندرکاران می‌باشد. مشکلات مراکز تحقیقاتی و افسردگی محققان ما که آن نشاط لازم را برای کار تحقیقی ندارند، یکی از معضلاتی است که الان وجود دارد. معلمان و اساتید چه در دانشگاه‌ها و چه در مدارس-دچار مشکلات فراوان هستند. آن شوق و انگیزه‌ای که یک نفر آدم را به سراغ تعلیم بکشاند، به چیزهای گوناگونی وابسته است که انصافاً بعضی از آنها لنگ است (خامنه‌ای، ۶۸/۹/۲۱).

۶-۳-۵. ایجاد محیط سالم در دانشگاه

از دیگر وظایف مدیریت دانشگاه‌ها، ایجاد محیط دینی است؛ چراکه تنها در این محیط، پرورش انسان‌های متعهد صورت می‌گیرد و در سایه این تعهد، تولید علم ممکن می‌شود. دانشجویی که دغدغه دین و نظام اسلامی نداشته باشد، هیچ‌گاه به دنبال تولید مفاهیم کارآمد برای اداره نظام اسلامی نیست؛ لذا باید با ایجاد محیط دینی، دانشجوی پرورشی مناسب پیدا کند.

محیط دانشگاه، باید محیط دینی باشد، باید این را تأمین کنیم؛ و این نمی‌شود، مگر اینکه شما که رؤسا و مسئولان دستگاه‌های دانشگاهی کشور هستید بیش از همه، آقای وزیر و معاونان ایشان و بعد هم رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها- صد درصد با تعصب دینی و انقلابی و پایبندی شدید و اصرار بر اینکه باید دین حاکمیت پیدا کند و چتری بر زندگی محیط دانشگاه بزند، این هدف را تعقیب کنید. از کلمه تعصب نترسید؛ تعصب جاهلی بد است؛ [اما] عصبیتی که از روی جهالت نباشد، خیلی هم خوب است. عصبیت، معنایش جهالت نیست (خامنه‌ای، ۶۹/۵/۲۴).

نتیجه‌گیری

با بررسی سخنان رهبری در حوزه علوم انسانی به خوبی می‌توان به طرحی جامع برای تولید علوم انسانی دست یافت؛ طرحی که هم شامل اندیشه نظری دقیق (محتوا) و هم شامل کیفیت تحقق این نظریه در صحنه عینیت (برنامه) و هم شامل تعیین وظایف عناصر تأثیرگذار در تحقق این آرمان بزرگ (سازمان) است. با این همه این مقاله تنها درآمدی بر شکل‌دهی الگوی تحول علوم انسانی است؛ لذا باید با دقت فراوان در این اندیشه جامع و نافذ مقام معظم رهبری، بتوان به الگویی جامع در این زمینه دست یافت تا مبتنی بر آن بتوان نقشه جامع تحول علوم انسانی اسلامی را طراحی کرد؛ نقشه‌ای که علی‌القاعده باید در ذیل نقشه علمی کشور و هماهنگ با آن طراحی گردد.

منابع

- ابن خلدون (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی. چاپ هشتم.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۶۸/۹/۲۱). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۶۹/۵/۲۴). در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار مختلف مردم.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۰/۵/۲۳). بیانات در دیدار کارگزاران نظام.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۳/۳/۱). بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان «دانشگاه نیروی هوایی».
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۴/۹/۱۳). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۵/۲/۲۵). روزنامه جمهوری اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۷/۳/۵). مصاحبه با مقام معظم رهبری پس از بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۷/۶/۱۲). بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۶/۳/۱۴). بیانات در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۹/۵/۲۵). بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۹/۶/۲۰). بیانات در درس خارج.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۹/۷/۱۴). بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۷۹/۱۲/۹). بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۰/۶/۱۹). بیانات در شروع درس خارج فقه سال ۱۳۸۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰/۰۶/۱۹). پیام به دانشجویان ایرانی در اروپا.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۰/۱۰/۱۲). بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۱/۷/۳). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۱/۱۱/۱۶). پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۲/۶/۵). بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۲/۸/۸). بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۲/۸/۱۱). بیانات در دیدار مسئولان نظام.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۲/۱۱/۲۱). بیانات در دیدار با جوانان نخبه.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۲/۱۲/۱۸). بیانات در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۳/۴/۱). بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۳/۴/۱۷). بیانات در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۳/۹/۲۶). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۳/۱۰/۱۷). بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۵/۸/۱۸). بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۷/۲/۱۴). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۸/۱/۱). بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی الرضا علیه‌السلام.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۸/۲/۲۷). بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۹/۶/۱۴). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۹/۷/۲۹). بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۸۹/۹/۱۰). بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۰/۲/۲۷). بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۰/۷/۱۳). بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۱/۷/۲۳). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۱/۱۲/۱). بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره مردمی فیلم عمار.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۲/۵/۶). بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۲/۵/۱۵). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۲/۶/۶). بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۲/۲/۹). بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۲/۵/۱۵). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۲/۶/۱۴). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۵/۱/۱۱). بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام.
- لوکاس، هنری (۱۳۶۶). تاریخ تمدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: آذرنگ.
- دورانت، ویل (۱۳۶۸). درآمدی بر تاریخ تمدن. ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیهیمی. تهران: آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- دورانت، ویل (۱۳۹۳). تاریخ تمدن. ترجمه گروه مترجمان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی. چاپ دوم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.